

## مدلهای ترکیبی سرمایه اقتصادی و فرهنگی در تبیین انواع فعالیتهای فراغتی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه تهران)

دکتر افسانه ادریسی \*

احسان رحمانی خلیلی \*\*

سیده نرگس حسینی امین \*\*\*

### چکیده

جایگاه اجتماعی هر کنشگر متأثر از انواع سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. تفاوت در سرمایه‌های افراد، سلیقه‌ها و ترجیحات متفاوتی در نحوه گذران اوقات فراغت ایجاد می‌کند و گذران مناسب اوقات فراغت در شکل‌گیری شخصیت جوانان نقش مهم و مؤثری ایفا می‌کند. در مقاله حاضر، هدف، شناسایی رابطه شیوه‌های گذران اوقات فراغت با سرمایه اقتصادی و فرهنگی خانواده‌های دانشجویان است. رویکرد مقاله توصیفی-علی است که به دنبال توصیف و شناسایی رابطه و همبستگی بین انواع اوقات فراغت با سرمایه فرهنگی و اقتصادی در بین دانشجویان دانشگاه تهران می‌باشد. روش تحقیق پیمایشی است و جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دانشگاه تهران در سال ۸۹ می‌باشد. محاسبه حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۴۰۰ نفر انتخاب گردید. روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی نامتناسب و تصادفی ساده بوده است که دانشکده‌های دانشگاه تهران به عنوان طبقه در نظر گرفته شد و سهم هر دانشکده در نمونه، نامتناسب با سهم آن در جامعه آماری است. شیوه‌های گذران اوقات فراغت به پنج گروه تقسیم گردید که عبارتند از: فراغت فکری، فراغت تعاملی-ارتباطی، فراغت تفریحی - سرگرمی، فراغت آموزشی-هنری و فراغت جسمانی. نتایج به دست آمده حاکی از آن است سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی بر فعالیتهای فراغتی موثرند ولی ترکیب این سرمایه‌ها در تبیین انواع فعالیتهای فراغتی متفاوت از یکدیگر است به گونه‌ای که فعالیتهای فراغت فکری، فراغت آموزشی - هنری، فراغت تعاملی - ارتباطی از یک الگو و فراغت جسمانی و فراغت تفریحی-سرگرمی از الگوی دیگری تبعیت می‌کنند.

**واژه‌های کلیدی:** سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی، فراغت فکری، فراغت آموزشی - هنری، فراغت تعاملی -

ارتباطی، فراغت جسمانی، فراغت تفریحی - سرگرمی، دانشجویان دانشگاه تهران

Email: a\_edrisi@iau-tnb.ac.ir

\* استادیار تمام وقت دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

\*\* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، عضو ادب باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

Email: ehsan5171@yahoo.com

\*\*\* کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی، عضو باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

Email: sn.hoseiniamin@gmail.com

## مقدمه

در گذشته زمان اختصاص داده شده به اوقات فراغت بیشتر مختص ثروتمندان و طبقه مرفه جامعه بود و کمتر از سوی محققان اجتماعی مورد تحقیق قرار می‌گرفت اما پیشرفت‌های عصر جدید در حوزه‌ها و بخش‌های اقتصادی و اجتماعی موجب شد تا علاوه بر کاهش بعد خانوار، افزایش امید به زندگی و ارتقای سطح نسبی زندگی و شکاف‌های طبقاتی نسبت به قبل کاهش چشمگیری داشته باشد و بهره‌مندی از موضوعاتی مانند اوقات فراغت در کلیه سطوح طبقاتی جامعه پدیدار گردد. در این رابطه برتراند راسل اینگونه اظهار کرده است: فنون جدید این امکان را بدست داده است که اوقات فراغت را تا حدودی از محدوده امتیازات طبقاتی خارج نموده و بین تمام افراد سرشکن نمائیم (مهدیان، ۱۳۷۳). در دنیای معاصر فراغت دیگر نه تنها به عنوان حق هر فرد که به عنوان یک ارزش، تثبیت شده است (دومازیه به نقل از اسدی، ۱۳۵۲).

امروزه یکی از معیارها و مشخصه‌های میزان توسعه یافتگی جوامع «چگونگی استفاده از اوقات فراغت» است و اصولاً اوقات فراغت و برنامه‌ریزی برای آن یکی از معیارهای شناخت «توسعه یافتگی» شده است. زیرا که اوقات فراغت مانند هر پدیده و موضوع اجتماعی دارای کارکرد خاصی در اجتماع می‌باشد و پرداختن به کارکرد اوقات فراغت در حقیقت تعیین کننده نگرش جامعه به این موضوع از نظر اثربخشی آن در فعالیت‌های اجتماعی و به عبارتی تعیین موقعیت آن در توسعه جامعه است.

با توجه به تعریف ونکل<sup>۴</sup> (۱۹۹۶)، فراغت چیزی بیش از زمان‌های اضافی نیست، اما یک فرصت برای سلامتی و خوشبختی فرد است. ادینگتون<sup>۵</sup> کارکردهای مثبتی را برای اوقات فراغت قائل است. وی معتقد است که اوقات فراغت اثر مثبتی بر رشد فردی و پیوندهای اجتماعی دارد و منظور از آن تغییراتی است که در وجه نظر، ارزش‌ها و مهارت‌های فرد با انجام دادن فعالیت‌های مختلف در زمان فراغت حاصل می‌شود. ادینگتون معتقد است که فواید بالقوه متعددی از مشارکت در فعالیت‌های فراغتی می‌توان کسب کرد: اعتماد به نفس، رشد روحی، خلاقیت، یادگیری، اتکاء به خود و خودیابی از جمله این فواید است. او معتقد است که فراغت‌ها اموری هستند که فرصت لازم را برای تعامل افراد با یکدیگر فراهم می‌کنند. رویدادها و فعالیت‌های مرتبط با فراغت اغلب زمینه ساز ملاقات افراد جدید با یکدیگر، پیوند دوستی‌های جدید، تحکیم وحدت خانواده‌ها، تعاون و پیوندهای محکمتر افراد و دوستان را فراهم می‌آورد (ارفعی عین‌الدین، ۱۳۸۸: ۵۵-۵۲).

در همه فرهنگ‌ها، خانواده عامل اصلی اجتماعی شدن کودک در دوران طفولیت است. در جوامع امروزی، اجتماعی شدن پیش از همه در یک زمینه کوچک خانوادگی رخ می‌دهد (گیدنز<sup>۶</sup>، ۱۳۷۶: ۸۵). منطقه و طبقه اجتماعی خانواده‌ای که فرد در آن متولد می‌شود نیز بر الگوهای اجتماعی شدن به شدت تاثیر می‌گذارد. کودکان شیوه‌های رفتار ویژه پدر و مادرشان یا دیگران را در همسایگی یا اجتماع محلی شان فرا می‌گیرند. بنابراین، گرایش افراد به شیوه‌ها و صور خاص گذران اوقات فراغت، علاوه بر پایگاه اجتماعی و اقتصادی تا اندازه زیادی نیز به نحوه جامعه‌پذیری آن‌ها در خانه، مدرسه و جامعه برمی‌گردد. کلمن سیستم‌های خانوادگی را تشکیل شده از سرمایه مالی

4. Venkel

5. Edington

6. Giddens

(منابع مالی برای هزینه‌های خانواده و پرورش کودک)، سرمایه انسانی (تحصیلات و مهارت‌های اقتصادی والدین) و سرمایه اجتماعی می‌داند (Coleman, 1988;1990) که به فرزندان منتقل می‌شود.

زندگی شهری همواره امکان گسترش وسیع تقسیم کار را فراهم کرده است که نیاز به وجود آمدن فعالیت‌های تخصصی را در جامعه شهری ایجاب می‌کند. از نظر لوتیز ورث، هرچه تعداد افرادی که در روندی از کنش‌های متقابل شرکت می‌نمایند بیشتر باشد امکان بالقوه به وجود آمدن افتراق در میان آنها بیشتر است. این تفاوت‌ها و افتراق‌ها، در شهر سبب تفکیک مکانی افراد برحسب نژاد، پایگاه اجتماعی و اقتصادی، سلیقه‌ها و ترجیحات متفاوت می‌گردد (ورث<sup>۷</sup>، ۱۳۵۸: ۴۷). محل سکونت، محل و نوع کار، درآمد، تفاوت‌های مذهبی و نژادی، پایگاه اقتصادی- اجتماعی، عادات و رسوم، سلیقه‌ها و ترجیحات و تعصبات، جزو مهمترین عواملی هستند که سبب به وجود آمدن شیوه‌های متنوع گذران اوقات فراغت در جوانان می‌گردد (همان: ۵۱). که در حال حاضر فراغت و اشکال مختلف آن به صورت بخشی از خصایص فرهنگی درآمده‌اند و با شعارها، نمادها و علائم مختلف به عنوان نشانه‌های فرهنگی پیوند خورده‌اند (تیبیا، ۱۳۸۹: ۶۸-۶۷).

انجام فعالیت‌های فراغتی مناسب در گذران اوقات فراغت در شکل‌گیری شخصیت پویا، تلاشگر و با نشاط نیروی فکری و معنوی یک جامعه نقش مهم و مؤثری ایفا می‌کند. به گونه‌ای که فرانسویس دوگه می‌گوید: به من بگوئید اوقات فراغت خود را چگونه می‌گذرانید تا بگویم چه کسی هستید و فرزندان خود را چگونه تربیت می‌کنید (صباغ لنگرودی، ۱۳۷۷). بنابراین شناسایی، برنامه‌ریزی، غنی‌سازی و سازماندهی امکانات جهت گذران مطلوب اوقات فراغت برای جوانان امری ضروری می‌باشد و بی‌توجهی و کم‌توجهی بدان نتایج تلخ و زیانباری در پی دارد؛ علیرغم آنکه اوقات فراغت مهمترین و دلپذیرترین اوقات انسان است که ممکن است برای عده‌ای متضمن تعمق، تفکر و ساختن و برای عده‌ای دیگر ملال‌آور و یا دربردارنده آسیب‌های جسمی و روانی باشد. در برخی از کشورهای در حال توسعه به واسطه کمبود امکانات مناسب تفریحی و همین‌طور عدم آگاهی و عدم برنامه‌ریزی صحیح و عدم اجرای سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی بسیاری از جوانان به سوی فعالیت‌ها و تفریحات ناسالم بروند و ممکن است این تفریحات ناسالم خمیر مایه‌های بروز کج‌روی در این قشر را فراهم آورد.

برداشت افراد از فراغت و نحوه گذران اوقات فراغت برحسب شرایط اجتماعی و تاریخی و دوره زندگی آنان متفاوت است. در رفتارهای فراغتی با توجه به سن، جنس، طبقه اجتماعی و سبک زندگی و... می‌توان الگوهایی را مشاهده کرد که الگوهای فراغتی افراد را تشکیل می‌دهند و الگوهای فراغتی نامناسب به خصوص در قشر جوان می‌تواند آنها را از چارچوبهای پذیرفته شده در جامعه دور ساخته و آسیب‌هایی را در این گروه اجتماعی موجب گردد (رفعت‌جاه به نقل از سلگی، ۱۳۸۷). از آنجایی که کشور ما در ردیف کشورهای جوان دنیا می‌باشد، ایجاد امکانات مناسب برای گذراندن اوقات فراغت جوانان می‌تواند نقش مؤثری در شکل‌گیری شخصیت آنان و همین‌طور سازندگی جامعه داشته باشد.

با توجه به اهمیت شیوه‌های گذران اوقات فراغت جوانان در سرنوشت فردی و اجتماعی آنان و به دلیل اهمیت ارتباط قشرهای مختلف با سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی متفاوت با نحوه گذران اوقات فراغت در این مقاله به

<sup>7</sup>. Wirth

شناسایی میزان انواع فعالیتهای فراغتی و رابطه شیوه‌های گذران اوقات فراغت دانشجویان با سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی خانواده آنان پرداخته می‌شود. جهت دستیابی به این اهداف در جستجوی پاسخ به سؤالات زیر می‌باشیم:

- شیوه‌های گذران اوقات فراغت و میزان سرمایه اقتصادی و فرهنگی خانواده‌های دانشجویان چگونه است؟

- رابطه سرمایه اقتصادی و فرهنگی با نحوه گذران اوقات فراغت دانشجویان چگونه است؟

جامعه‌شناسی اوقات فراغت، رابطه نزدیکی با مقوله مهم صنعتی شدن، رها شدن کارگران از ساعت کاری ممتد، گسترش شهرنشینی و بالاخره ایجاد رفاه نسبی دارد. اگر اولین اثر مدون در بحث جامعه‌شناسی فراغت را کتاب ارزشمند تورشتاین و بلن یعنی، نظریه طبقه مرفه، که در سال ۱۸۹۹ میلادی منتشر شده است بدانیم خاستگاه جامعه‌شناسی اوقات فراغت، امریکا خواهد بود. از سوی دیگر، مطالعات توصیفی رابرت پارک، در ۱۹۲۴ در امریکا، درباره هنجارها و ناهمنوایی‌های رفتار اجتماعی شهروندان که موجب شکل‌گیری جامعه‌شناسی شهری گردید نیز، توجه بیش از پیش نظریه‌پردازان علوم اجتماعی را به لزوم بررسی رابطه جرم و جنایت با اوقات فراغت فراهم نمود (دومازیه، ۱۳۸۱: ۱۴۸).

تحقیقی که توسط فورلانک<sup>۸</sup> و کمبل<sup>۹</sup> و ریبرت<sup>۱۰</sup> (1990)، انجام شد، نشان می‌دهد که وضعیت اقتصادی - اجتماعی به طور مستقیم و غیرمستقیم در مشارکت و علاقمندی جوانان به شکل‌های گوناگون گذران اوقات فراغت تأثیر می‌گذارد (فرج‌اللهی، ۱۳۷۳). در پژوهشی تحت عنوان «فراغت، فرهنگ و سبک زندگی» توسط آنتونی ویل به بررسی رابطه الگوهای گذران فراغت، سطح فرهنگی کنشگران و در نهایت چگونگی شکل‌گیری سبک زندگی در انگلیس پرداخته است. ویل با مطالعه‌ی دیدگاه‌های مدرن و پست مدرن؛ نتیجه می‌گیرد که ساختارهایی از قبیل طبقه اجتماعی، امروزه تأثیرات خود را در شکل‌دهی به رفتارهای فراغتی حفظ کرده‌اند. از نظر او عمده‌ترین اختلاف‌ها در رفتارهای مربوط به گذران فراغت، هنوز هم به وسیله سن، جنسیت و یا طبقه‌ی اجتماعی تبیین می‌شوند. پارامترهای اقتصادی - اجتماعی در شکل‌دهی آشکار به سبک‌های زندگی افراد جامعه تأثیرات قابل توجهی دارند. از نظر او این متغیرها علل اختلاف بوجود آمده در تنوعات سبک زندگی و اوقات فراغت را توضیح می‌دهند (Veal, 1991; 1993: 141-150).

وارنر<sup>۱۱</sup> و همکارانش، گذران اوقات فراغت را بین شش طبقه مهم امریکا، مورد بررسی قرار دادند، نتیجه پژوهش نشان داد افراد طبقه بالای جامعه بیشتر از طبقه پایین جامعه به مطالعه کتاب و مجله می‌پردازند، در کلیسا و سازمان‌های اجتماعی بیشتر شرکت می‌کنند. در صورتی که افراد طبقه پایین در این زمینه هیچ گونه آرمانی ندارند، کمتر در امور عمومی جامعه شرکت دارند و از دانش و آگاهی کمتری برخوردارند (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱). نتیجه برخی تحقیقات تأثیرپذیری فراغت‌های فکری و جسمانی از قشربندی اجتماعی و سرمایه فرهنگی و اقتصادی در جامعه ایران را نیز تایید کرده‌اند (شعبان زاده، ۱۳۸۴).

نتایج پژوهشهای دیگر نیز حاکی از آن است که بین پایگاه اقتصادی و انواع فراغت رابطه وجود دارد؛ بدین

8. Furlong  
9. Campbell  
10. Rebert  
11. Warner

صورت که هر چه پایگاه اقتصادی دانشجویان بالاتر باشد، از مقدار انواع فراغت آن‌ها کاسته می‌شود (تیبیا، ۱۳۸۹) و هر چه منطقه زیستی و وضعیت معیشتی افراد، محروم‌تر باشد، ساعات فراغت کاهش می‌یابد (عقداپی، ۱۳۷۲). در نتایج تحقیقات سازمان ملی جوانان نیز بین محل سکونت و میزان درآمد ماهیانه دانشجویان با میزان ساعات فراغت رابطه معناداری وجود داشته است (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱).

اوقات فراغت از ابعاد سبک زندگی است و در اکثر مطالعاتی که در مورد منشأ سبک زندگی انجام شده، به تحصیلات تأکید شده است. محققان تأثیر و نقش تحصیلات را ناشی از افزایش قوه شناختی در اثر ارتقای تحصیلی و هم چنین اثر شبکه‌ای تحصیلات می‌دانند (زواره، ۱۳۸۶: ۳۳). آبل در می‌یابد کسانی که تحصیلات بالاتری دارند کار خود را تحت کنترل می‌گیرند و با بالا رفتن تحصیلات در شبکه‌ای از افراد قرار می‌گیرند که الگوی رفتاری مشابه و مبتنی بر انتخاب فرهنگی دارند و به این ترتیب بر سبک زندگی فرد تأثیر می‌گذارند (فاضلی، ۱۳۸۲: ۹۳). نقش تحصیلات را با کنار هم گذاشتن عوامل دیگر می‌توان معنادارتر نمود. تحصیلات و سطوح مختلف آن همراه با تحولات فرهنگی و ارزشی و تأثیرات ساختهای اجتماعی و تحرکهای اجتماعی که در سطح عمودی و افقی برای افراد ایجاد می‌شود، سبک‌های زندگی را متأثر می‌سازد. تحصیلات از طریق قرار دادن فرد در نظام آموزشی که به بازتولید فرهنگی می‌انجامد، تأثیر عوامل دیگر چون مفاهیم پایگاه و طبقه را نیز افزون‌تر می‌کند. به نظر گیدنز مدارس و سایر نهادهای اجتماعی از طریق بازتولید فرهنگی به دایمی کردن نابرابری‌های اجتماعی کمک می‌کنند. این مفهوم ذهن ما را به وسایلی معطوف می‌سازد که به مدد آن مدارس از طریق برنامه‌های پنهان، بر یادگیری ارزش‌ها، نگرش‌ها و عادات و سبک‌های خاص تأثیر می‌گذارند (گیدنز، ۱۳۷۶: ۴۷۲). در جوامعی مانند ایران نفوذ ساختارهای سنتی و غیر رسمی در زندگی افراد فراوان است و حتی بر چگونگی خودمقوله آموزش و تحصیلات نیز سایه انداخته است. تحصیلات را به لحاظ ایجاد موقعیت طبقاتی و اقتصادی و کسب اعتبار اجتماعی در ذیل سرمایه اقتصادی و اجتماعی هم می‌توان آورد. (فاضلی، ۱۳۸۲: ۱۰۱).

در دنیای معاصر انسان به فضای حیاتی خود عرصه‌ی دیگری به نام گذران اوقات فراغت افزوده است و مسأله اوقات فراغت زاینده پیشرفت تکنولوژی و فرهنگ است (امین طاهه، ۱۳۷۴). از نظر دومازیه<sup>۱۲</sup> هم اکنون فراغت نه تنها به عنوان حق هر فرد که به عنوان یک ارزش، تثبیت شده است (دومازیه، ۱۳۸۱). او معتقد است نحوه صحیح استفاده از اوقات فراغت به نوع آموزش و رشد فرهنگی آنها بستگی دارد و بنظر می‌رسد که آموزش عمومی کیفیت فراغت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از طرف دیگر خود انسان مدرن نیز در بودجه خانوادگی خود هزینه بیشتری به اوقات فراغت اختصاص می‌دهد که به نظر دومازیه این هزینه بر حسب طبقات اجتماعی متفاوت است. بطور مثال یک کارگر ساده از یک کارمند عالی‌رتبه هزینه کمتری صرف اوقات فراغت خود و خانواده‌اش می‌کند. و «احساس فقیر شدن» در آنجایی به افراد دست می‌دهد که در بحث گذران اوقات فراغت «نیازها» سریعتر از «میزان رضامندی» آنها افزایش می‌یابند (اسدی، ۱۳۵۲: ۲۶). او اوقات فراغت را چنین تعریف می‌کند: فراغت مجموعه‌ای از اشتغالاتی است که فرد کاملاً به رضایت خاطر خود یا برای استراحت، یا برای تفریح، یا به منظور توسعه اطلاعات، یا آموزش غیرانتفاعی یا مشارکت اجتماعی داوطلبانه بعد از آزاد شدن از الزامات شغلی، خانوادگی و اجتماعی بدان می‌پردازد

<sup>12</sup>. Dumazedier

(همان : ۱۵۶) در توضیح واژه فراغت در دایره المعارف علوم اجتماعی چهار ویژگی اساسی برای فراغت توصیف می شود: رها بودن از مسئولیت و کار، نداشتن انگیزه اقتصادی، رضایت و خوشنودی، تحقق توانایی ها و رشد استعدادها (به نقل از محمدرضایی، ۱۳۸۰).

با گسترش بخش های مختلف اشتغال و امور اجتماعی تنوع فراوانی در فعالیت های اوقات فراغت مشاهده می شود. آنچه در طبقه بندی ذیل می آید تنها بخش کوچکی از گستره عظیم اوقات فراغت است (رجب زاده، ۱۳۸۱: ۴).

دومازیه انواع فراغت را براساس نیازهای جسمی، روانی افراد در ۵ دسته طبقه بندی نموده است: ۱. فراغت های جسمانی: نظیر ورزش های مختلف، قدم زنی، استراحت، دراز کشیدن، مسافرت و تعطیلات؛ ۲. فراغت هنری: نظیر بازدید از موزه ها و بناهای یادبود، شرکت در جشن های مختلف، رفتن به سینما، تئاتر، کنسرت، نقاشی و نواختن موسیقی؛ ۳. فراغت عملی: نظیر کاردستی (سفال سازی، باغبانی، سوزن سازی) این نوع فراغت به ویژه در میان افراد کم درآمد رایج تر است. همچنین این نوع فراغت از آنجا که جنبه کاربردی دارد و در عین اینکه به عنوان یک فراغت دلی پذیر است، به نحوی با وظایف خانوادگی نیز مرتبط می شود؛ ۴. فراغت فکری: عمده این نوع فراغت در مطالعه تجلی می شود و می تواند شامل مطالعه روزنامه ها، مجلات، کتب مختلف می باشد. گوش دادن به رادیو و تماشای تلویزیون در این طبقه قرار دارند؛ ۵. فراغت های اجتماعی: این نوع فراغت در پوشش انواع تفریح ها، دید و بازدیدها، گردهمایی دوستانه دوره های مختلف خانوادگی و... ظاهر می شود (به نقل از ارفعی عین الدین، ۱۳۸۸: ۵۵-۵۴).

نوربرت الیاس و اریک دانیگ، طیفی موسوم به طیف اوقات فراغت را مطرح کرده اند که براساس آن فعالیت های اوقات فراغت به سه نوع متداخل تقسیم می شوند: الف) فعالیت های کاملاً یا عمدتاً اجتماعی (ب) فعالیت های حرکتی و جنبشی (ج) فعالیت های نمایی (Elias & Dunning, 1986: 95).

در طبقه بندی فعالیت های اوقات فراغت در ایران توسط بسیاری از عالمان علوم اجتماعی انجام شده است که در این مقاله به طبقه بندی رجب زاده اشاره می گردد. او فعالیت های فراغتی را به شش دسته تقسیم کرده است: ۱- فعالیت فرهنگی: مفهوم خاص فعالیت فرهنگی مواردی همچون نشست های دوستانه بازدید از موزه ها، نمایشگاه ها و گالری ها، رفتن به سینما، موزه، تئاتر و... در این فعالیت ها فرد با امر فرهنگی آشنا می شود. ۲- فعالیت مذهبی: فعالیت مذهبی گرایش انسان به امر مقدس و ماورالطبیعه است، فعالیت دینی یکی از انواع فعالیت زمان فراغت را شامل می شود. ۳- فعالیت اجتماعی: گرایش به دیگران و اجتماع وجه دیگری از حیات انسانی است. برخی از فعالیت های اجتماعی عبارتند از: مشارکت در امور خیریه و اجتماعی داوطلبانه و دید و بازدید با اقوام و خویشان، همسایگان، دوستان و آشنایان. ۴- فعالیت های ورزشی: فعالیت ورزشی در خدمت بازتولید انرژی هدر رفته در زمان کار و ضامن سلامتی جسم و روان است و از سویی دیگر باید آن را به عنوان نوعی فعالیت که در آن مجموعه ای از روابط و تعامل ها شکل می گیرد دانست. ۵- فعالیت تفریحی: مانند رفتن به پارک، سینما و مراکز تفریحی. ۶- فعالیت هنری و دستی: گرایش و تمایل افراد به انجام کارهای هنری و دستی به دلیل گستردگی این نوع کارها در مقوله های متنوع، ارزان بودن وسایل و ابزار آن می باشد. مهمترین فعالیت های مورد نظر در این بخش شامل: قالی بافی، خیاطی، قلاب بافی، ملیله دوزی، کامو بافی و... می باشد.

آنچه که باید مدنظر قرار بگیرد آن است که ما به طور آرام شاهد تغییر الگوهای اوقات فراغت در نسل جدید

نسبت به نسل قبل هستیم. گسترش الگوهای گذران فراغت که بیشتر جنبه «انفرادی» دارد بر سایر الگوهای جمعی رجحان پیدا کرده است که بررسی این موضوع می‌تواند تا حدودی تبیین‌کننده تغییرات فرهنگی در سطح جامعه باشد (رجب زاده، ۱۳۸۱: ۵-۸).

در دنیای امروز فضاهای فراغت می‌تواند مورد اعمال محدودیت‌هایی نیز قرار گیرد و تحت تاثیر ملاحظات سیاسی و فرهنگی دگرگون شود و حتی قوانینی برای آن تدوین گردد. مثل دایر کردن رستوران در پارک‌ها و یا برگزاری نمایشنامه در پارک‌ها یا انجام ورزش در پارک‌ها و نظایر آن. در هر حال با وجود اعمال محدودیت و مکانیزم‌های تنظیم‌کننده در مورد فضا و زمان فراغت، مردم توسط اعمالشان همواره معناها و کارکرد (موارد استفاده) از زمان و مکان فراغت را بازسازی می‌کنند (روجک<sup>۱۳</sup>، ۱۳۸۵).

آنچه مسلم است فعالیت‌های فراغتی با بسیاری از عوامل در ارتباط است، ولی این ارتباط با سرمایه اقتصادی و فرهنگی با اهمیت بیشتری در ادبیات نظری جامعه‌شناختی مطرح شده است.

اصطلاح "سرمایه فرهنگی" از قیاس با سرمایه اقتصادی و نظریات و قوانین و تحلیل مباحث مربوط به سرمایه داری رواج یافت (روح الامینی، ۱۳۶۵: ۳۳). سرمایه، مفهومی به نسبت کهن در جامعه‌شناسی است که می‌توان ریشه آن را تا آثار مارکس پی گرفت. در اقتصاد مدرن سرمایه یکی از چهار عامل تولید است (Marshal, 1998: 52). سرمایه تمایزی اساسی با ثروت و یا همان دارایی دارد که به آن ویژگی خاصی می‌بخشد. سرمایه برای فرد توانایی بخش است و به مالک خود امکان می‌دهد که برای دستیابی بر منابعی اقدام کند که کمیاب هستند و در دسترس همه نیستند، سرمایه خرج نمی‌شود بلکه سرمایه‌گذاری می‌شود و هدف این سرمایه‌گذاری افزایش آن است. به طوری که بعد از گذشت مدتی و یا انجام فرآیند مورد نظر میزان آن نسبت به قبل افزایش یابد در حالی که ثروت معمولاً در قبال دستیابی به هدفی که مورد نظر است خرج می‌شود و از میزان آن کاسته می‌شود (زرشناس، ۱۳۷۷: ۹۹).

بورديو در مقاله‌اش با نام «گونه‌های سرمایه» بیان می‌دارد که سرمایه به سه شکل اساسی ظاهر می‌شود: ۱- سرمایه اقتصادی که بی‌درنگ و مستقیماً قابل تبدیل به پول است و ممکن است به شکل حقوق مالکیت نهادینه شود. ۲- سرمایه فرهنگی که در شرایط معین به سرمایه اقتصادی قابل تبدیل است و ممکن است به شکل مدارک تحصیلی نهادینه شود. ۳- سرمایه اجتماعی که از تکالیف و تعهدات اجتماعی (پیوندها و ارتباطات) ساخته شده، و در برخی شرایط به سرمایه اقتصادی قابل تبدیل است، ممکن است به شکل اصالت و نجابت خانوادگی نهادینه شود. او بر تبدیل‌پذیری اشکال مختلف سرمایه و بر تقلیل‌ناپذیری همه اشکال به سرمایه اقتصادی تأکید دارد (Bourdieu, 1985: 243-245).

توزیع این سه نوع سرمایه تعیین‌کننده موقعیت طبقاتی عینی فرد در نظام اجتماعی است. به عبارت دیگر، ساخت طبقاتی از طریق ترکیب انواع سرمایه‌ها به وسیله گروه‌ها روشن می‌شود. طبقات بالا بیشترین میزان سرمایه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین را دارد. طبقه متوسط مقدار کمتری از این انواع را در اختیار دارد و طبقه پایین کمترین مقدار این ترکیب از منابع را مورد بهره‌برداری قرار می‌دهد (Turner, 1998: 512-513).

<sup>13</sup>. Rojek

از دیدگاه دیوید چنی<sup>۱۴</sup> مطالعه سبک زندگی صورت جدید و امتداد مباحثی است که تحت عناوین طبقه، قشر اجتماعی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی قبلاً مطرح بوده است و در حال حاضر در جوامع سرمایه‌داری با نام سبک زندگی مطرح است. این مفهوم در چارچوبی خاص‌تر به نام گذران اوقات فراغت قرار می‌گیرد. زیرا سبک زندگی برای توصیف کنش خود و دیگران مورد استفاده قرار می‌گیرد و برای کنش افراد الگوهایی را ایجاد می‌کند. بر این اساس افراد برای نشان دادن اتصال یا تمایز از گروهها بر نحوه گذران اوقات فراغت خود تأکید می‌کنند (فردرو و صداقت‌زادگان، ۱۳۷۹).

طبق نظر مارکس<sup>۱۵</sup> ساختار اقتصادی به مثابه زیربنای جامعه است و الگوی گذران اوقات فراغت بعنوان بخشی از فرهنگ در زمره روبنای فرهنگی جامعه محسوب می‌گردد. طبقه اجتماعی نمود عینی ساختار اقتصادی است و پایه آن مالکیت خصوصی است که بر اثر منابع اقتصادی انباشته می‌شود. این دست‌داری تنها اموال شخصی ساده نیستند بلکه منابعی است که می‌توان به کمک آن چیزهایی با ارزش تولید کرد و ثروت اندوخت. از طرف دیگر طبقه تنها بُعد عینی ندارد بلکه به عوامل ذهنی و خودآگاهی طبقاتی نیز اشاره دارد. روبنا نیز متشکل از هر ساختاری است که مظهر عقایدی باشد که بر زندگی انسان اثر بگذارد (فردرو و صداقت‌زادگان، ۱۳۷۹). بنابراین اموری از قبیل مطالعه کتاب، تماشای تلویزیون، گوش دادن به رادیو، معاشرت با دیگران، فراگیری آموزش غیررسمی و... بعنوان صوری از گذران اوقات فراغت قسمتی از روبنا محسوب می‌شوند.

بورديو برداشتی از طبقه را ارائه می‌دهد که فراتر از مفهوم طبقه در نزد مارکس می‌باشد. او برخلاف مارکس که طبقه را نظامی از حقوق مادی می‌داند، برداشت پیچیده‌ای از طبقه را مطرح می‌کند که انواع سرمایه، یعنی سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی را در بر می‌گیرد. ابتکار مهم او در مقابل جامعه‌شناسان پیشین که در مورد قشربندی بحث کرده‌اند این است که از یک موقعیت ایستا به سوی جریانی حرکت می‌کند که تمایزهای منزلتی تعریف شده و در طول زمان در ارتباط با اشیای فرهنگی بازتولید می‌شوند. او مفهوم سرمایه را برای نشان دادن منابع مهمی مطرح می‌سازد که در طول زندگی مورد استفاده قرار می‌گیرند و سپس فضای قشربندی بر مبنای طبقه را از نقطه نظر سرمایه تعریف می‌کند. او اشاره می‌کند که به طور مثال داشتن یک کتابخانه مجلل یا کلکسیون نقاشی نمایشگر فراغت و مصرف چشمگیر است و طبقه مرفه از آن طریق اثبات می‌کند که شیوه زندگی متفاوت از دیگران دارد. یعنی از نظر زمانی، وقت خرید این کتاب‌ها و نقاشی‌ها را دارد و از نظر مالی پرداخت این نوع هزینه‌ها برایش بسیار آسان است (Bourdieu, 1985).

از دیدگاه بورديو ساخت طبقاتی یک سلسله مراتب ساده نیست بلکه در درون هر یک از طبقات شاخه‌های گوناگونی وجود دارد که در درجه اول مربوط به ترکیب انواع سرمایه و در درجه دوم مربوط به منشأ سرمایه و مدت زمانی می‌شود که فرد این ترکیب را در اختیار داشته است. بنابر این سه عامل در سرمایه موثر است: حجم، ترکیب و مسیر. حجم مربوط به میزان سرمایه می‌گردد. ترکیب به میزان فراوانی نسبی سرمایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مربوط می‌شود. همان‌طور که قبلاً هم ذکر گردید سرمایه اقتصادی به میزان سرمایه مادی در نظام تولیدی، سرمایه

<sup>14</sup> David Chaney

<sup>15</sup> Marx



اجتماعی به شبکه‌آشنایان و سرمایه فرهنگی به دانش، سلیقه و شیوه زندگی مربوط می‌شود که به فرد اجازه می‌دهد از طریق آن به منزلت دست یابد. بر مبنای نظریه بورديو بعضی از افراد حجم کمی از سرمایه چه اقتصادی و چه فرهنگی را دارند که ترکیب آن دو به جایی نمی‌انجامد. اما از طرف دیگر، میزان زیاد سرمایه فرهنگی در کنار میزان زیاد سرمایه اقتصادی قرار گیرد به‌ویژه اگر در طول چند نسل دوام داشته باشد، منزلت بالایی به همراه خواهد داشت. در مقایسه با قسمت پایینی و بالایی سلسله مراتب طبقاتی بخش میانی ترکیب سرمایه فرهنگی و اقتصادی وضعیت متغیرتری دارد. یعنی در این قسمت گروه‌های متفاوت ممکن است میزان بیشتر یا کمتری از این دو نوع سرمایه را در ترکیب با هم داشته باشند که این امر در ارتباط با متغیر شغل نیز قرار می‌گیرد و بالاخره مسیر در نظریه بورديو با اهمیت است، همه ما امکان تحرک طبقاتی داریم که این امر از منشأ طبقاتی آغاز شده تا موقعیت کنونی ما حرکت می‌کند. هر فردی مسیری را در زندگی اجتماعی خود طی می‌کند که آن مسیر می‌تواند او را از یک نقطه به نقطه دیگر حرکت دهد. در مواردی این حرکت می‌تواند بر عکس هم باشد یعنی فردی با موقعیت طبقاتی بالا و سرمایه اقتصادی خوب به دلایلی ثروت خود را از دست بدهد و یا فرزندانش نتوانند همان موقعیت را حفظ کنند یا سرمایه اقتصادی را تبدیل به سرمایه فرهنگی سازند. اما در اکثر موارد حرکت از طبقه بالا به پایین کمتر واقع می‌شود. اما همان‌طور که بورديو هم مرتباً تأکید می‌کند کسب سرمایه فرهنگی یعنی تحصیلات یکی از راه‌های مهم در تحرک طبقاتی در جامعه مدرن است (ممتاز، ۱۳۸۳: ۱۵۳).

سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا انتقال سرمایه ی فرهنگی، می‌تواند جایگزین سرمایه اقتصادی شود؟ پاسخ بورديو منفی است. اما در نظر وی صلاحیت‌ها، توانایی‌های فکری و گواهی یا مدرک تنها نمایانگر نوع خاصی از سرمایه هستند که اکثر موارد به سرمایه اقتصادی افزوده می‌شوند. برای مثال، یک عامل مهم در تشدید رقابت جهت بدست آوردن صلاحیت‌های تحصیلی بدون شک آن است که افراد طبقه مسلط و طبقه متوسط با کمک سرمایه اقتصادی حداکثر استفاده را از آموزش و پرورش برای بازتولید سرمایه اجتماعی خود می‌برند. بنابراین سرمایه اقتصادی از نظر بورديو مهم تلقی شده است.

ترنر<sup>۱۶</sup> سرمایه فرهنگی را مجموعه نمادها، عادت‌واره، منش‌ها، شیوه‌های زبانی، مدارک تحصیلی و آموزشی، ذوق و سلیقه‌ها و شیوه‌های زندگی که به‌طور غیر رسمی، بین افراد انسانی معمول و شایع است تعریف می‌کند. کالینز سرمایه فرهنگی را شامل منابعی چون مکالمات از پیش اندوخته در حافظه، شیوه زبانی، انواع خاص دانش و مهارت، حق و ویژه تصمیم‌گیری و حق دریافت احترام می‌داند (ملاحسنی، ۱۳۸۱: ۳۱). عمده تحلیل بورديو از سبک زندگی و اوقات فراغت بر سرمایه فرهنگی استوار است و گویا از منظر وی سرمایه فرهنگی با اهمیت‌تر است (همان: ۳۹). سرمایه فرهنگی در برگیرنده تمایلات پایدار فرد است که در خلال اجتماعی شدن در وی ایجاد و درونی شده است. بورديو تحصیلات را نمودی از سرمایه فرهنگی می‌داند. گرایش به اشیاء فرهنگی و جمع شدن محصولات فرهنگی نیز سرمایه فرهنگی به حساب می‌آید. سرمایه فرهنگی دربرگیرنده تمایلات پایدار افراد است که در خلال اجتماعی شدن در فرد انباشته می‌شوند (فاضلی، ۱۳۸۲: ۳۷). آن چه بورديو سرمایه فرهنگی نامید تحت کنترل سرمایه‌داری صنعتی و بازرگانی نبود بلکه توسط

<sup>16</sup>. Turner

لایه‌های روشنفکری و هنری تعیین می‌شد. (باکاک<sup>۱۷</sup>، ۱۳۸۱: ۹۷). او سه شکل از اشکال سرمایه فرهنگی را از هم متمایز می‌کند: سرمایه فرهنگی تجسم یافته، سرمایه فرهنگی عینیت یافته و سرمایه فرهنگی نهادینه شده.

سرمایه فرهنگی در حالت تجسم یافته یا ذهنی؛ اکثر خواص سرمایه فرهنگی را می‌توان از این نکته استنتاج کرد که این سرمایه در حالت بنیادین خود با کالبد مرتبط است و مستلزم تجسد است. این نوع سرمایه به مجموع خصلت‌های پرورش یافته در افراد اشاره دارد که از طریق فرایند اجتماعی شدن در آن‌ها، درونی می‌شود. بدین ترتیب، سرمایه فرهنگی شمایی از درک و شناخت نسبت به کالاهای فرهنگی را در افراد به وجود می‌آورد. می‌توان اکثر ویژگی‌های سرمایه فرهنگی را از این واقعیت استنباط کرد که این سرمایه با شخصی که در آن تجسم می‌یابد ارتباط نزدیک دارد (نیازی و کارکنان، ۱۳۸۶: ۶۰). بوردیو خاطر نشان می‌سازد که کالاهای فرهنگی متفاوت از کالاهای مادی هستند لذا فرد می‌تواند آن‌ها را بفهمد، یا از طریق درک معنای این کالاهای، آن‌ها را مصرف کند. این کالاهای مادی می‌تواند شامل موسیقی، فعالیت‌های هنری، فرمول‌های علمی و کارهای فرهنگ عامه بشود (Bourdieu, 1984: 214). انباشت سرمایه فرهنگی در شکل تجسم یافته آن از دوران کودکی در فرد شکل می‌گیرد. انباشت سرمایه در دوران کودکی مستلزم کنش تعلیم و تربیتی است؛ یعنی آن‌که والدین و دیگر اعضای خانواده زمان لازم برای تربیت بچه‌ها و بودن با آن‌ها صرف کنند؛ یا آن‌که از معلم‌های ماهر برای حساس کردن کودکان به تمایزات فرهنگی استفاده کنند. در هر حال، سال‌های اولیه زندگی، مهم‌ترین بخش این فرایند است (Swartz, 1997: 75). سرمایه فرهنگی تجسم یافته، را با مهارت‌های فرهنگی و هنری فرد و همچنین میزان صرف وقت برای امور فرهنگی اندازه‌گیری می‌شود. بر این اساس میزان مهارت فرد در هنرهای گوناگون نظیر: موسیقی، تئاتر، نویسندگی، خطاطی، نقاشی و سایر هنرها و مهارت وی در سایر زبان‌های موجود غیر از زبان مادری، و همچنین میزان وقت اختصاصی پاسخگو به فعالیت‌هایی مثل مطالعه کتاب، مطالعه روزنامه، مطالعه مجله، استفاده از اینترنت، بازدید از موزه، کنسرت موسیقی، رفتن به سینما، مورد سوال قرار می‌گیرد (روح‌الامینی، ۱۳۶۵: ۳۴).

سرمایه فرهنگی در حالت عینیت یافته یکی از بدیهی‌ترین و عینی‌ترین اشکال سرمایه فرهنگی، مصرف کالاهای مختلف فرهنگی در میان اقشار مختلف جامعه است که خود می‌تواند تابعی از متغیرهای گوناگون فردی و اجتماعی قرار گیرد. سرمایه فرهنگی عینیت یافته اشاره دارد به اشیایی نظیر کتاب‌ها، نقاشی‌ها، بناهای تاریخی، کارهای هنری و ابزار علمی که برای استفاده از آن‌ها به اطلاعات فرهنگی ویژه‌ای نیازمندیم. سرمایه فرهنگی عینیت یافته در اشیای مادی قابل انتقال است. برای مثال، مجموعه‌ای از تابلوهای نقاشی را می‌توان درست همانند سرمایه اقتصادی منتقل کرد. ولی آن‌چه قابلیت انتقال دارد، مالکیت قانونی است و نه استعدادی که آن تابلوی نقاشی را خلق کرده است. پس کالاهای فرهنگی را هم می‌توان به صورت مادی به تملک درآورد که مستلزم سرمایه اقتصادی است، و هم به صورت نمادین که مستلزم سرمایه فرهنگی است. این به معنی آن است که مالک ابزار تولید، باید راهی را بیابد که با سرمایه متجسد که پیش شرط یک استملاک مشخص است از آن خودکند یا خدمات صاحبان این نوع سرمایه را (Bourdieu, 1984: 215). سرمایه فرهنگی عینیت یافته، مجموعه میراث‌های فرهنگی مانند شاهکارهای هنری، تکنولوژی ماشینی و قوانین علمی که به صورت کتب، اسناد و اشیاء در تملک اختصاصی افراد و خانواده‌ها

<sup>17</sup>. Bocoock

است (روح الامینی، ۱۳۶۵: ۳۴).

بورديو استدلال می‌آورد که رشد چشم‌گیر اشکال عینی و نهادینه شده سرمایه فرهنگی در بازارهای نسبتاً مستقل، مهم‌ترین نقش را در شکل‌دهی به ساختار طبقاتی و تولیدات فرهنگی در جوامع پیشرفته، داشته است. بنابراین وی روند تاریخی شکلی‌گیری سرمایه فرهنگی را پایه جدیدی برای ایجاد طبقات متفاوت اجتماعی می‌داند. از نظر بورديو توزیع نابرابر سرمایه فرهنگی عینی و نهادی در طبقات جامعه یکی از ابعاد کلیدی نابرابری اجتماعی در جوامع مدرن محسوب می‌شود. افزایش مؤسسات فرهنگی و مدرک‌دهی برای روشنفکران یک استقلال جدیدی فراهم می‌آورد که متفاوت از اشکال سنتی آن است که تحت سرپرستی قرار داشتند. کلید رشد و استقلال حوزه فرهنگ از قدرت اقتصادی و سیاسی، نهادینه شدن و بسط و گسترش آموزش و مراکز آموزشی است. مؤسسات آموزشی به وسیله ضوابط و معیارهایی که ایجاد می‌کنند، تمایل به حفظ استقلال و امنیت خود دارند. لذا از طریق استخدام پرسنل نوآموز و پرورش یافته برای خودشان مشروعیت ایجاد کرده و راه مداخله سیاسی و فشار اقتصادی را سد می‌کنند و به وسیله تامین نیروهایشان، روی بازتولید خود کنترل دارند (Swartz, 1997: 77).

بورديو در تحلیل‌های جامعه‌شناختی از فعالیت‌های فراغتی بر ابعاد خرد و کلان (عاملیت و ساختار) تأکید می‌کند. او معتقد است که هم ساختار عینی (زمینه) و هم عاملیت (ساختمان ذهنی) در انتخاب نوع فعالیت برای گذران اوقات فراغت مؤثرند؛ نگرش دیالکتیکی بین عاملیت و ساختار و مصرف کالاهای فرهنگی به عنوان عنصر تمایز طبقاتی از شاخص‌های عمده‌ای است که جامعه‌شناسی اوقات فراغت بورديو را از سایرین مجزا می‌کند. بدین ترتیب، بورديو به تبیین علی اوقات فراغت در قالب زمینه، عادات واره و ذائقه‌های فراغتی دست می‌زند.

«زمینه» یا حوزه عبارت است از زیراجتماعی<sup>۱۸</sup> که یک عادت‌واره یا منش<sup>۱۹</sup> در آن حاکمیت دارد. بورديو موجبات بیرونی<sup>۲۰</sup> را که مارکسیست‌ها از آن با عنوان بحران‌های اقتصادی، تحولات فنی یا انقلاب سیاسی یاد می‌کنند، را زمینه محسوب می‌نماید (بورديو، ۱۳۸۰: ۱۶). نکته مهم این است که زمینه، چند بُعدی<sup>۲۱</sup> است؛ یعنی دارای ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است (ریتزر<sup>۲۲</sup>، ۱۳۸۰: ۷۵۹).

منش (عادت‌واره) خصلت دیالکتیکی دارد و بورديو تلاش می‌کند تا ابعاد ذهنی و عینی مسئله را به منزله وجود جدایی‌ناپذیر یک واقعیت تاریخی تبیین کند (بورديو، ۱۳۷۹: ۱۵۱ و تنهایی، ۱۳۸۴: ۱). از این‌رو عادت‌واره هم مبین رفتار فردی است و هم مبین شکلی از زندگی و نوع فضا یا جو اجتماعی که در هیأت مجموعه‌ای از رسوم و نهادهای جمعی عینیت یافته است.

از جمله مفاهیمی که بورديو در تحلیل فعالیت‌های فراغتی استفاده می‌کند، مفاهیم موضع<sup>۲۳</sup> و موضع‌گیری<sup>۲۴</sup> است. بورديو عقیده دارد که هرگونه موضع‌گیری فرهنگی در ارتباط با جایگاه افراد است. مفهوم موضع، بیشتر واجد خصلت عینی و ساختاری و گویای مقام و موقعیت و جایگاه هر یک از عناصر و عوامل متعلق به حوزه‌های

<sup>18</sup> Sub-Social

<sup>19</sup> Habitus

<sup>20</sup> External Determinates

<sup>21</sup> Multidimensional

<sup>22</sup> Ritzer

<sup>23</sup> Position

<sup>24</sup> Disposition

گوناگون نظیر حوزه قدرت، حوزه تولید فرهنگی، حوزه اقتصاد و... است. ولی مفهوم موضع‌گیری بیشتر جنبه ذهنی دارد که متضمن معنای خلُق و خوی و منش است. این مفهوم بیانگر کنش‌ها، طرح‌ها، عملکرد هر یک از عناصر و عوامل متعلق به یک حوزه خاص است. همچنین، موضع و موضع‌گیری یا خلُق و خوی، هر دو محصول و ثمره فرایند تاریخی‌اند که در یکدیگر تأثیر متقابل می‌گذارند (بورديو، ۱۳۷۹: ۱۵۰).

بورديو عادت‌واره را با یک مفهوم دیگر به نام ذائقه<sup>۲۵</sup> پیوند می‌زند. ذائقه نیز یک عملکرد است که یکی از کارکردهایش این است که افراد جامعه از طریق ذائقه به ادراکی از جایگاه‌شان در نظام اجتماعی می‌رسند. ذائقه، همه کسانی را که سلیقه به نسبت یکسانی دارند به هم نزدیک می‌کند و از این طریق آن‌ها را از افراد دیگر جدا می‌کند. از طریق ذائقه انسان‌ها دیگران و نیز خودشان را در جامعه طبقه‌بندی می‌نمایند (ریتزر، ۱۳۸۰: ۷۲۷). مثلاً آدم‌ها را بر حسب ذائقه‌هایی که از خود نشان می‌دهند و با ترجیح قائل شدن‌هایشان برای انواع فعالیت‌های فراغتی متفاوت مانند گوش دادن به موسیقی، دیدن فیلم سینمایی یا خواندن شعر می‌توان دسته‌بندی کرد. ذائقه‌ها محصول اجتماعی بوده و یکی از شاخص‌های سرمایه فرهنگی را تشکیل می‌دهند.

می‌توان گفت ذائقه (قریحه) مجموعه تمایلات درونی است که برخلاف تصور معمول فقط به نوع برداشت یا مواجهه فرد با محصولات فرهنگی و هنری مربوط نمی‌شود. قریحه قادر است سازوکار سبک زندگی را توضیح دهد. بر همین اساس بخشی از مطالعات توصیفی سبک زندگی تلاش برای توصیف قریحه‌های افراد و نشان دادن ساختار منسجم قریحه است (فاضلی، ۱۳۸۲: ۱۰۱). در نهایت هر مجموعه فعالیت که بخواهد به بخشی از سبک زندگی و اوقات فراغت تبدیل شود، باید با تمایلات قریحی فرد متناسب باشد. محیط‌های آموزشی در جوامع مدرن، گروه همسالان و خانواده بر ذائقه تأثیر می‌گذارند. از نظر بورديو، ذائقه را می‌توان به عنوان نوعی از سرمایه فرهنگی دید که ایجاد تبعیض و تمایز بین انواع گروه‌های منزلتی را امکان‌پذیر می‌کند» (باکاک، ۱۳۸۱: ۹۹).

بورديو معتقد است، حس زیبایی‌شناختی گروه‌های مختلف در تقابل با یکدیگر تعریف و متمایز می‌شود. ذوق و سلیقه در وهله اول و قبل از هرچیز بی‌میلی و اکراه نسبت به سلاقی دیگران است. دلیل این امر آن است که اعمال و رویه‌های فرهنگی، به تن کردن لباس جین یا بازی گلف یا فوتبال، بازدید از موزه یا نمایشگاه اتومبیل، گوش دادن به موسیقی جاز یا تماشای سریال‌های کمدی و کارهای نظیر آن و قابلیت مشخص ساختن تفاوت و فاصله اجتماعی امری ذاتی نیست بلکه امری اکتسابی است که در جریان زمینه‌ها کسب می‌شود (استونز<sup>۲۶</sup>، ۱۳۷۹: ۳۳۹). همچنین او قابلیت جابه‌جایی استعداد زیباشناختی، شناخت و ذائقه را به شکل خوشه‌ای در ارتباط نزدیک با سطح تحصیلات قرار می‌دهد؛ مثلاً ساختار نمونه‌ای ترجیحات و شناخت درباره نقاشی در ارتباط با ساختار مشابه شناخت و ذائقه‌های فرد نسبت به گوش دادن موسیقی کلاسیک، رفتن به سینما و... قرار می‌گیرد. در این ساختار، مراتب یک میدان ممکن است به دلیل شباهت یا هم‌وزنی با مراتب دیگر مرتبط شوند. بنابراین، بین تحصیلات، ذوق نیکو و اطلاع از صور فعالیت‌های فراغتی والا می‌توان نسبتی برقرار کرد (Bourdieu, 1984: 175).

از نظر بورديو منش و ذائقه فراغتی، خود متأثر از زمینه (میدان) است و یک فعالیت فراغتی فی‌نفسه فعالیت

<sup>25</sup> Taste

<sup>26</sup> Stones

فراغتی تلقی نمی‌شود، بلکه در جامعه و در ارتباط با دیگران شکل پیدا می‌کند. از طریق زمینه است که انواع و شیوه‌های گذران اوقات فراغت خَلق و به عنوان فعالیت فراغتی تولید و بازتولید می‌شود. بنابراین، هر فعالیت‌ی برای گذران اوقات فراغت در فضایی از امکان‌ها<sup>۲۷</sup> انجام می‌شود. بنابراین در مورد تأثیر زمینه و عادات و ذائقه، بوردیو معتقد است دو فرد دارای دو منش (عادت‌واره) متفاوت که شرایط و محرک‌های واحدی را تجربه نکرده‌اند، فعالیت‌های واحدی را برای گذران اوقات فراغت خود انجام نمی‌دهند و در نتیجه درباره ارزش آن نیز حکمی یکسان صادر نمی‌کنند. علاوه بر اینکه زمینه‌های مختلف باعث ایجاد صور مختلف گذران اوقات فراغت می‌شود، از منظر کارکردی نیز انجام صور گذران اوقات فراغت مختلف نوعی هویت‌یابی است که در جریان این هویت‌یابی، یک فعالیت فراغتی از سایر فعالیت‌ها متمایز می‌گردد. بنابراین، در فعالیت‌های فراغتی نوعی عنصر تمایزبخش وجود دارد. بوردیو نیز از مفهوم تمایز در تحلیل خود استفاده کرده است. وی استدلال می‌کند که تمایزهای اجتماعی را می‌توان در مجموعه متنوعی از اعمال اجتماعی که بطور سنتی مربوط به فراغت می‌شود مثل تعطیلات، ورزش‌ها، مطالعه، موسیقی، سینما و سایر ذوق و قریحه‌ها مشاهده کرد (اباذری و چاووشیان، ۱۳۸۱: ۱۵ و هینیک<sup>۲۸</sup>، ۱۳۸۴: ۷۷).

بوردیو مفهوم تمایز را با مفهوم سرمایه فرهنگی پیوند می‌زند و معتقد است که سرمایه فرهنگی موجب تفاوت است و به دائمی کردن تفکیک‌ها و نابرابری‌های اجتماعی کمک می‌کند. بوردیو تأکید می‌کند که گروه‌های نخبه تعیین می‌کنند که چه چیزی پذیرفتنی یا سرمایه فرهنگی با ارزش است. بنابراین قدرت، مشروعیت خلق می‌کند و همواره طبقات حاکم، ذائقه‌ها، ارزش‌ها، دانش‌ها و... را مشروع یا نامشروع می‌دانند (لوپز<sup>۲۹</sup> و اسکات<sup>۳۰</sup>، ۱۳۸۵: ۱۳۸ و جنکینز، ۱۳۸۵: ۱۷۳).

با توجه به استدلال‌های نظری می‌توان نتیجه گرفت که بین سرمایه فرهنگی و اقتصادی با نحوه گذران اوقات فراغت رابطه وجود دارد. که فرضیه‌ها عبارتند از:

فرضیه ۱: به نظر می‌رسد که سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی در انجام فعالیت‌های فکری در گذران اوقات فراغت موثرند.

فرضیه ۲: به نظر می‌رسد که سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی در انجام فعالیت‌های جسمانی در گذران اوقات فراغت موثرند.

فرضیه ۳: به نظر می‌رسد که سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی در انجام فعالیت‌های آموزشی - هنری در گذران اوقات فراغت موثرند.

فرضیه ۴: به نظر می‌رسد که سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی در انجام فعالیت‌های تعاملی - ارتباطی در گذران اوقات فراغت موثرند.

فرضیه ۵: به نظر می‌رسد که سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی در انجام فعالیت‌های تفریحی - سرگرمی در

<sup>27</sup>. The Space of Possibles

<sup>28</sup>. Hynyk

<sup>29</sup>. Lopez

<sup>30</sup>. Scott

گذران اوقات فراغت موثرند.

## روش

رویکرد مقاله توصیفی - علی است که به دنبال توصیف و شناسایی رابطه و همبستگی بین انواع اوقات فراغت با سرمایه فرهنگی و اقتصادی در بین دانشجویان دانشگاه تهران می باشد. روش تحقیق پیمایشی است و از لحاظ معیار زمان یک تحقیق مقطعی است زیرا در یک برهه از زمان یعنی سال ۸۹ بررسی شده است. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دانشگاه تهران می باشد. برای محاسبه حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده گردید و جهت اطمینان ۱۰ درصد بیش از حجم نمونه برآورد شده، انتخاب شد که پس از حذف پرسشنامه های ناقص و داده های پرت این تعداد به ۴۰۰ نفر رسید. روش نمونه گیری طبقه بندی نامتناسب و تصادفی ساده بوده است که دانشکده های دانشگاه تهران به عنوان طبقه در نظر گرفته شد و سهم هر دانشکده در نمونه، نامتناسب با سهم آن در جامعه آماری می باشد.

تعریف عملیاتی متغیرها

**متغیر انواع فعالیت های فراغتی:** جهت سنجش نحوه گذران اوقات فراغت دانشجویان از ترکیب تقسیم بندی های دومازیه (به نقل از ارفعی عین الدین، ۱۳۸۸) و رجب زاده (رجب زاده، ۱۳۸۱) استفاده شده است و گذران اوقات فراغت در پنج طبقه آمده اند که هر یک شامل فراغتهای زیر می باشند:

۱) فراغت فکری: میزان انجام فعالیت درسی، گوش دادن به رادیو، رفتن به کلاس زبان، کامپیوتر و... مطالعه کتاب، مطالعه روزنامه، مطالعه مجله، استفاده از اینترنت و رفتن به کتابخانه.

۲) فراغت آموزشی - هنری: رفتن به کلاسهای هنری (موسیقی، نقاشی، عکاسی و...)، گوش دادن به موسیقی، رفتن به سینما، رفتن به تئاتر و رفتن به موزه.

۳) فراغت تعاملی - ارتباطی: میزان چت کردن، شرکت در انجمن ها و تشکل های فرهنگی، صنفی و سیاسی، صحبت کردن با دوستان به صورت حضوری یا تلفنی، استفاده از فیس بوک، صحبت کردن با اعضای خانواده، رفتن به اماکن ورزشی، رفتن به کافی شاپ، رفتن به اماکن مذهبی و ارسال و دریافت پیامک.

۴) فراغت سرگرمی - تفریحی: میزان تماشای تلویزیون در روز، تماشای فیلم با وی سی دی در روز، رفتن به مراکز خرید در ماه، رفتن به مهمانی در ماه، رفتن به پارک و مراکز تفریحی در ماه.

۵) فراغت جسمانی: میزان استراحت، میزان ورزش کردن.

**تعریف عملیاتی مربوط به متغیر سرمایه فرهنگی:** سرمایه فرهنگی خانواده دانشجویان بر اساس نظریه بوردیو در سه بعد نهادینه، تجسم یافته و عینیت یافته مورد سنجش قرار گرفته است.

جدول شماره ۱: تعریف عملیاتی مربوط به متغیر سرمایه فرهنگی

متغیر	ابعاد	خرده ابعاد	مولفه	شاخص
سرمایه فرهنگی	نهادینه	تحصیلات	نوع مدرک تحصیلی	ایرانی / خارجی
	تجسم یافته	میزان آگاهی	شناخت هنر پیشه‌ها و کارگردان	ایرانی / خارجی
		سینمایی	شناخت فیلم	ایرانی / خارجی
	میزان آگاهی	میزان آگاهی	شناخت خواننده‌ها	ایرانی / خارجی
		موسیقیایی	شناخت سازهای موسیقی	ایرانی / خارجی
	عینیت یافته	میزان مالکیت	کتاب	تعداد کتاب‌های قدیمی، خطی و نوشتاری
		کارهای فرهنگی	اشیا	تعداد تابلوهای نقاشی روی دیوار منزل تعداد اشیاء قدیمی و زیر خاکی
	عینیت یافته	نوع موسیقی	سبک‌های رایج	تعداد کتاب
		مصرفی	موسیقی	ایرانی / خارجی
	نوع فیلم مصرفی	نوع فیلم مصرفی	سبک‌های رایج	ایرانی / خارجی
		نوع کتاب	از نظر موضوع	داستان، علمی، رمان.....
	مصرفی	مصرفی	نوع زبان	داخلی، خارجی

تعریف عملیاتی مربوط به متغیر سرمایه اقتصادی: سنجش سرمایه اقتصادی افراد بر اساس متاهل و مجرد بودن با موارد زیر صورت پذیرفته است:

جدول شماره ۲: تعریف عملیاتی مربوط به متغیر سرمایه اقتصادی

نام متغیر	شاخص	مقوله‌ها	سطح سنجش	توضیحات
سرمایه اقتصادی	میزان درآمد ماهانه پدر		فاصله ای	در صورت مجرد بودن
	میزان درآمد ماهانه مادر		فاصله ای	در صورت مجرد بودن
	میزان درآمد ماهانه همسر		فاصله ای	در صورت متاهل بودن
	میزان درآمد ماهانه پاسنخگو		فاصله ای	در صورت متاهل بودن
	میانگین هزینه پوشاک در سال		فاصله ای	در صورت متاهل بودن
	نوع مالکیت مسکن	شخصی، رایگان، سازمانی، استیجاری	رتبه ای	در صورت برخورداری

در صورت برخورداری	فاصله ای		متر از واحد مسکونی
در صورت برخورداری	فاصله ای		قیمت تقریبی مسکن
	رتبه ای	دارد / ندارد	برخورداری از گوشی تلفن همراه بالای ۳۰۰ هزار تومان
	رتبه ای	دارد / ندارد	برخورداری از ساعت مچی بالای ۱۰۰ هزار تومان
	رتبه ای	دارد / ندارد	برخورداری از لب تاپ شخصی
	رتبه ای	دارد / ندارد	برخورداری از خودروی شخصی
	رتبه ای	دارد / ندارد	برخورداری از عینک آفتابی بالای ۱۰۰ هزار تومان
	رتبه ای	دارد / ندارد	برخورداری از کیف و کفش بالای ۱۰۰ هزار تومان

**اعتبار و اعتماد پرسشنامه :** جهت بررسی اعتبار (Validity) پرسشنامه از شیوه توافق داوران استفاده شده است. بطوری که پرسشنامه در اختیار اساتید مجرب و کارشناسان خبره قرار گرفته و نقطه نظرات اصلاحی آنان اعمال شده است تا برداشت یکسان از سوالات بدست آید. همچنین جهت بررسی روایی یا قابلیت اعتماد (Reliability) متغیر نحوه گذران اوقات فراغت و سرمایه اقتصادی از روش باز آزمایی (Test - Retest) استفاده شده است. در این روش صفت مورد مطالعه با استفاده از پرسشنامه طراحی شده در دو زمان مختلف اندازه گرفته می شود. در مقاله حاضر جهت بررسی همبستگی در دو اندازه گیری تکرار شده (با فاصله یک هفته)، مربوط به شاخص های نحوه گذران اوقات فراغت، از آزمون ویلکاکسون (Wilcoxon) استفاده گردید (حیدری چروده، ۱۳۹۰) که در دو اندازه گیری، در هریک از شاخص‌ها، تفاوت معناداری وجود ندارد، به عبارت دیگر روایی آن تایید شده است. جهت بررسی روایی متغیر سرمایه فرهنگی از آزمون آلفای کرنباخ استفاده شد که میزان آلفا ۰/۷۳۶ به دست آمد که در علوم انسانی میزان آلفا مورد قبول است. علاوه بر آن از طریق جمله بندی دقیق پرسش ها، طراحی و روش های کدگذاری مورد استفاده قرار گرفته و سعی شده با طراحی دقیق سوالات و دقت در پرکردن پرسش نامه ها از طرف دانشجویان و استفاده از کد نامه دقیق، پایایی سوالات و نتایج تحقیق افزایش داده شود (دواس، ۱۳۸۶). تجزیه و تحلیل داده ها نیز با نرم افزار SPSS نسخه ۱۸ انجام شده است.

#### یافته ها

در این بخش در ابتدا به یافته های توصیفی و سپس به یافته های استنباطی پرداخته می شود. فراوانی و درصد سرمایه فرهنگی دانشجویان، فراغت فکری، فرهنگی - هنری، اجتماعی، سرگرمی - تفریحی و جسمانی در جدول زیر آمده است.



جدول شماره ۳: آماره‌های توصیفی متغیرها

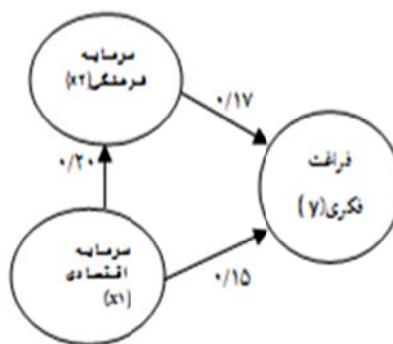
متغیر	خیلی پایین		متوسط		بالا		خیلی بالا	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
سرمایه فرهنگی خانواده‌های دانشجویان	۸,۲	۱۳۲	۴۱,۵	۱۱۰	۳۴,۶	۴۰	۱۲,۶	۱۰
سرمایه اقتصادی خانواده‌های دانشجویان	۱۷,۶	۶۴	۲۹,۶	۷۲	۳۳,۳	۳۲	۱۴,۸	۱۰
فکری	۲۳,۵	۲۱۴	۵۳,۵	۸۶	۲۱,۵	۶	۱,۵	-
تفریحی - سرگرمی	۲۵,۵	۱۷۰	۴۲,۵	۹۶	۲۴	۳۲	۸	-
تعاملی-ارتباطی	۱۸,۵	۲۳۴	۵۸,۵	۸۸	۲۲	۴	۱	-
آموزشی-هنری	۶۸,۵	۱۰۰	۲۵	۲۴	۶	۲	۰,۵	-
جسمانی	۱۸	۱۷۴	۴۲,۵	۱۱۰	۲۷,۵	۳۲	۸	۱۲

۰/۸۴ افراد دارای سرمایه فرهنگی متوسط به پایین و ۰/۸۰ افراد دارای سرمایه اقتصادی متوسط به پایین بوده‌اند و در گذران اوقات فراغت، فراغت فکری ۰/۲۳، آموزشی-هنری ۰/۶,۵، تعاملی-ارتباطی ۰/۲۳، سرگرمی - تفریحی ۰/۳۲ و جسمانی ۰/۳۸,۵ در طبقه متوسط به بالا بوده‌اند با توجه به نتایج به دست آمده اوقات فراغت دانشجویان بیشتر با فراغتهای جسمانی و تفریحی و سرگرمی پر می‌شود. در بررسی فرضیه‌ها یافته‌های زیر به دست آمد.

فرضیه ۱: به نظر می‌رسد که سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی بر فعالیتهای فکری در گذران اوقات فراغت موثرند. رگرسیون خطی با ضریب تبیین ۰/۰۶ حاکی از آن است که متغیرهای مستقل توانایی تبیین فعالیتهای فکری را دارد. در ارائه مدل از رگرسیون چند متغیره استفاده می‌شود که نتایج آن در جدول زیر آمده است.

جدول شماره ۴: ضرایب رگرسیونی (مسیرهای مستقیم و غیر مستقیم) مربوط به تاثیر سرمایه های فرهنگی و اقتصادی بر فعالیتهای فکری

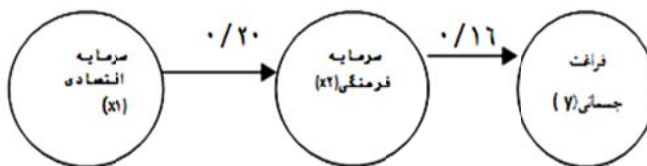
متغیر مستقل	مسیرهای غیر مستقیم	ضرایب مسیرهای غیر مستقیم	مجموع ضرایب غیر مستقیم	ضریب مستقیم	مجموع ضرایب مستقیم و غیر مستقیم
سرمایه فرهنگی	-	-	-	۰/۱۷	۰/۱۷
سرمایه اقتصادی	$X_1 \rightarrow X_2 \rightarrow y$	$0.20 * 0.17 = 0.034$	۰/۰۳۴	۰/۱۵	۰/۱۸۴



سرمایه اقتصادی متغیر بیرونی است و با دو مسیر مستقیم و غیر مستقیم بر فعالیتهای فراغتی فکری موثر است. فرضیه ۲: به نظر می رسد که سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی بر فعالیتهای جسمانی در گذران اوقات فراغت موثرند. رگرسیون خطی با ضریب تبیین ۰/۱۱ حاکی از آن است که متغیرهای مستقل توانایی تبیین فعالیتهای جسمانی را دارد. در ارائه مدل از رگرسیون چند متغیره استفاده می شود که نتایج آن در جدول زیر آمده است.

جدول شماره ۵: ضرایب رگرسیونی (مسیرهای مستقیم و غیر مستقیم) مربوط به تاثیر سرمایه های فرهنگی و اقتصادی بر فراغت جسمانی

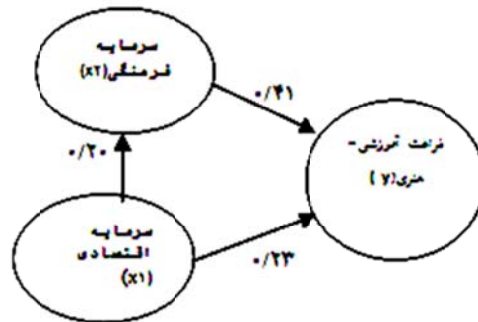
متغیر مستقل	مسیرهای غیر مستقیم	ضرایب مسیرهای غیر مستقیم	مجموع ضرایب غیر مستقیم	ضریب مستقیم	مجموع ضرایب مستقیم و غیر مستقیم
سرمایه فرهنگی	-	-	-	۰/۱۶	۰/۱۶
سرمایه اقتصادی	$X_1 \rightarrow X_2 \rightarrow y$	$0.20 * 0.17 = 0.032$	۰/۰۳۲	-	۰/۰۳۲



سرمایه اقتصادی به طور غیر مستقیم بر فعالیتهای فراغتی جسمانی موثر است. فرضیه ۳: به نظر می رسد که سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی بر فعالیتهای آموزشی - هنری در گذران اوقات فراغت موثرند. رگرسیون خطی با ضریب تبیین ۰/۲۶ حاکی از آن است که متغیرهای مستقل توانایی تبیین فعالیتهای آموزشی - هنری را دارد. در ارائه مدل از رگرسیون چند متغیره استفاده می شود که نتایج آن در جدول زیر آمده است.

جدول شماره ۶: ضرایب رگرسیونی (مسیرهای مستقیم و غیر مستقیم) مربوط به تاثیر سرمایه های فرهنگی و اقتصادی بر فراغت آموزشی - هنری

متغیر مستقل	مسیرهای غیر مستقیم	ضرایب مسیرهای غیر مستقیم	مجموع ضرایب غیر مستقیم	ضریب مستقیم	مجموع ضرایب مستقیم و غیر مستقیم
سرمایه فرهنگی	-	-	-	۰/۴۱	۰/۴۱
سرمایه اقتصادی	$X_1 \rightarrow X_2 \rightarrow y$	$0.20 * 0.41 = 0.082$	۰/۰۸۲	۰/۲۳	۰/۳۱۲



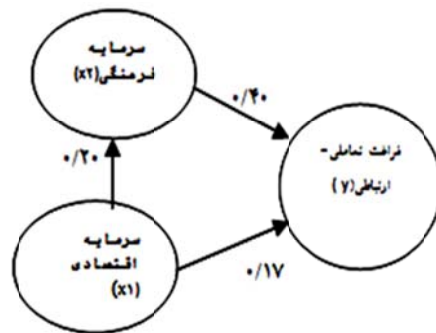
سرمایه اقتصادی متغیر بیرونی است و با دو مسیر مستقیم و غیر مستقیم بر فعالیتهای فراغت آموزشی-هنری موثر است.

فرضیه ۴: به نظر می رسد که سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی بر فعالیتهای تعاملی - ارتباطی در گذران اوقات فراغت موثرند.

رگرسیون خطی با ضریب تبیین ۰/۲۲ حاکی از آن است که متغیرهای مستقل توانایی تبیین فعالیتهای تعاملی - ارتباطی را دارد. در ارائه مدل از رگرسیون چند متغیره استفاده می شود که نتایج آن در جدول زیر آمده است.

جدول شماره ۷: ضرایب رگرسیونی (مسیرهای مستقیم و غیر مستقیم) مربوط به تاثیر سرمایه های فرهنگی و اقتصادی بر فراغت آموزشی - هنری

متغیر مستقل	مسیرهای غیر مستقیم	ضرایب مسیرهای غیر مستقیم	مجموع ضرایب غیر مستقیم	ضریب مستقیم	مجموع ضرایب مستقیم و غیر مستقیم
سرمایه فرهنگی	-	-	-	۰/۴۰	۰/۴۰
سرمایه اقتصادی	$X_1 \rightarrow X_2 \rightarrow y$	$0.20 * 0.40 = 0.08$	۰/۰۸	۰/۱۷	۰/۲۵



سرمایه اقتصادی متغیر بیرونی است و با دو مسیر مستقیم و غیر مستقیم بر فعالیتهای فراغت تعاملی-ارتباطی موثر است.

فرضیه ۵: به نظر می رسد که سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی بر فعالیتهای تفریحی - سرگرمی در گذران اوقات فراغت موثرند.

رگرسیون خطی با ضریب تبیین ۰/۱۴ حاکی از آن است که متغیرهای مستقل توانایی تبیین فعالیتهای تفریحی - سرگرمی را دارد. در ارائه مدل از رگرسیون چند متغیره استفاده می شود که نتایج آن در جدول زیر آمده است.

جدول شماره ۸: ضرایب رگرسیونی (مسیرهای مستقیم و غیر مستقیم) مربوط به تاثیر سرمایه های فرهنگی و اقتصادی

بر فراغت آموزشی - هنری

متغیر مستقل	مسیرهای غیر مستقیم	ضرایب مسیرهای غیر مستقیم	مجموع ضرایب غیر مستقیم	ضریب مستقیم	مجموع ضرایب مستقیم و غیر مستقیم
سرمایه فرهنگی	-	-	-	۰/۲۹	۰/۲۹
سرمایه اقتصادی	$\rightarrow y_2 \rightarrow X_1 X$	$0.20 * 0.29 = 0.058$	۰/۰۵۸	-	۰/۰۵۸



سرمایه اقتصادی متغیر بیرونی است و با دو مسیر مستقیم و غیر مستقیم بر فعالیتهای فراغت تفریحی-سرگرمی موثر است.

## بحث

اوقات فراغت دانشجویان بیشتر با فعالیتهای جسمانی و تفریحی پر میشود. با توجه به اینکه یکی از اهداف مهم اوقات

فراغت رشد استعدادها است (محمد رضایی، ۱۳۸۰؛ اسدی، ۱۳۵۲؛ تیبیا، ۱۳۸۹؛ ارفعی عین‌الدین، ۱۳۸۸) انتظار می‌رفت که با توجه به فضای علمی دانشگاه، دانشجویان از فعالیتهای فکری، فرهنگی - هنری و ارتباطی - مشارکتی بیشتری برخوردار باشند که به نظر می‌رسد این هدف مهم گذران اوقات فراغت مورد غفلت واقع شده است.

سرمایه اقتصادی و فرهنگی به طور همزمان بر انواع فعالتهای فراغتی موثرند ولی ترکیب این سرمایه‌ها در تبیین انواع فعالتهای فراغتی متفاوت از یکدیگر است به گونه‌ای که فعالتهای فراغت فکری، فراغت آموزشی - هنری، فراغت تعاملی - ارتباطی از یک الگو و فراغت جسمانی، فراغت تفریحی - سرگرمی از الگوی دیگری تبعیت می‌کنند. علیرغم آنکه در همه مدلها سرمایه اقتصادی متغیر بیرونی می‌باشد ولی در فعالتهای جسمانی و تفریحی - سرگرمی تاثیر غیر مستقیم دارد.

بورديو بيان می‌دارد که سرمایه به سه شکل اساسی ظاهر می‌شود: سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی. که او بر تبدیل‌پذیری اشکال مختلف سرمایه و بر تقلیل‌ناپذیری همه اشکال به سرمایه اقتصادی تأکید دارد و معتقد است که سرمایه‌ی فرهنگی، نمی‌تواند جایگزین سرمایه اقتصادی شود. اما در نظر وی صلاحیت‌ها، توانایی‌های فکری و گواهی یا مدرک تنها نمایانگر نوع خاصی از سرمایه هستند که اکثر موارد به سرمایه اقتصادی افزوده می‌شوند (Bourdieu, 1985). او معتقد بود، ساخت طبقاتی یک سلسله مراتب ساده نیست بلکه در درون هر یک از طبقات شاخه‌های گوناگونی وجود دارد که در درجه اول مربوط به ترکیب انواع سرمایه و در درجه دوم مربوط به منشأ سرمایه و سوم به مدت زمانی که فرد این ترکیب را در اختیار داشته است، مربوط می‌شود. بنابر این سه عامل در سرمایه موثر است: حجم، ترکیب و مسیر. حجم مربوط به میزان سرمایه می‌گردد، ترکیب به میزان فراوانی نسبی سرمایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مربوط می‌شود. همان‌طور که قبلاً هم ذکر گردید سرمایه اقتصادی به میزان سرمایه مادی در نظام تولیدی، سرمایه اجتماعی به شبکه‌آشنایان و سرمایه فرهنگی به دانش، سلیقه و شیوه زندگی مربوط می‌شود که به فرد اجازه می‌دهد از طریق آن به منزلت دست یابد. بر مبنای نظریه بورديو بعضی از افراد حجم کمی از سرمایه‌ی چه اقتصادی و چه فرهنگی را دارند که ترکیب آن دو به جایی نمی‌انجامد. اما از طرف دیگر، میزان زیاد سرمایه فرهنگی در کنار میزان زیاد سرمایه اقتصادی قرار گیرد به ویژه اگر در طول چند نسل دوام داشته باشد، منزلت بالایی به همراه خواهد داشت (ممتاز، ۱۳۸۳). از نظر او منش و ذائقه فراغتی، متأثر از زمینه (میدان) است و یک فعالیت فراغتی فی‌نفسه فعالیت فراغتی تلقی نمی‌شود، بلکه در جامعه و در ارتباط با دیگران شکل پیدا می‌کند. از طریق زمینه است که انواع و شیوه‌های گذران اوقات فراغت خَلق و به عنوان فعالیت فراغتی تولید و بازتولید می‌شود. بنابراین زمینه‌های مختلف باعث ایجاد صور مختلف گذران اوقات فراغت می‌شود و در فعالتهای فراغتی نوعی عنصر تمایزبخش وجود دارد. وی استدلال می‌کند که تمایزهای اجتماعی را می‌توان در مجموعه متنوعی از اعمال اجتماعی که بطور سنتی مربوط به فراغت می‌شود مثل تعطیلات، ورزش‌ها، مطالعه، موسیقی، سینما و سایر ذوق و قریحه‌ها مشاهده کرد (اباذری و چاووشیان، ۱۳۸۱: ۱۵ و هینیک، ۱۳۸۴: ۷۷). او مفهوم تمایز را با مفهوم سرمایه فرهنگی پیوند می‌زند و معتقد است که سرمایه فرهنگی موجب تفاوت است و به دائمی کردن تفکیک‌ها و نابرابری‌های اجتماعی کمک می‌کند (لوپز و اسکات، ۱۳۸۵ و جنکینز، ۱۳۸۵). یافته‌های این مقاله نیز تایید می‌کند که سرمایه فرهنگی در نحوه گذران اوقات فراغت مقدم بر سرمایه اقتصادی است.

## منابع

- اباذری، یوسف و حسن چاووشیان. (۱۳۸۱). «از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی: رویکردهای نوین در تحلیل جامعه‌شناسی هویت اجتماعی». دوفصلنامه نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰، پاییز و زمستان.
- ارفعی عین‌الدین، رضا. (۱۳۸۸). بررسی رابطه نحوه گذران اوقات فراغت و سلامت اجتماعی. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
- استونز، راب. (۱۳۷۹). متفکران بزرگ جامعه‌شناسی. (مهرداد میردامادی، مترجم). تهران: نشر مرکز.
- اسدی، ع. (۱۳۵۲). «گذران وقت در رضاییه». تهران. دبیرخانه شورای عالی فرهنگ و هنر، شماره ۱۲.
- امین‌طاهه، حسین. (۱۳۷۴). «سازماندهی اداری و سازماندهی فضایی کارکرد گذران اوقات فراغت (مورد استراحتگاه شمال شرکت ملی نفت ایران)». دانشکده علوم زمین دانشگاه شهید بهشتی.
- باکاک رابرت. (۱۳۸۱). مصرف. (خسرو صبری، مترجم). تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
- بورديو، پیر. (۱۳۷۹). «تکوین تاریخی زیباشناسی ناب». (مراد فرهادپور، مترجم). فصلنامه ارغنون، شماره ۱۷ ص ۱۶۶-۱۵۰.
- بورديو، پیر. (۱۳۸۰). نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی. (مرتضی مردیها، مترجم). تهران: انتشارات نقش و نگار.
- تنهایی، حسین ابوالحسن. (۱۳۸۴). تحلیل‌های نظری زمینه‌های جامعه‌شناسی معرفت بورديو. فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی، سال اول، شماره سوم، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان.
- تیبیا، مجتبی. (۱۳۸۹). بررسی رابطه پایگاه اجتماعی - اقتصادی و چگونگی گذران اوقات فراغت در بین دانشجویان (جوان ۱۸ تا ۲۹ سال). دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
- جنکینز، ریچارد. (۱۳۸۵). پی‌یر بورديو. (لیلا جوافشان و حسن چاووشیان، مترجمان). تهران: نشر نی.
- حیدری چروده، مجید. (۱۳۹۰). راهنمای سنجش روایی و پایایی در پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی. مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
- دواس، دی‌ای. (۱۳۸۶). پیمایش در تحقیقات اجتماعی، (هوشنگ نایی، مترجم). تهران: نشر نی.
- دومازیه، ژوفر. (۱۳۸۱). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی اوقات فراغت (مقاله نهم از کتاب: تلویزیون، خانواده و فرهنگ). (علی اسدی، مترجم). تهران: سازمان چاپ و انتشارات اسلامی.
- رجب‌زاده، احمد. (۱۳۸۱). رفتارهای فرهنگی ایرانیان: فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی در تهران.
- رفعت‌جاه، مریم. (۱۳۸۷). دختران جوان و اوقات فراغت، سایت انسان‌شناسی و فرهنگ.
- روجک، کریس. (۱۳۸۵). مکانیزم‌های تنظیم‌کننده زمان و فضای فراغت. (محمدرضا جلالی‌پور، مترجم).
- روح‌الامینی، محمود. (۱۳۶۵). زمینه فرهنگ‌شناسی تهران: انتشارات عطار.
- ریتزر، جرج. (۱۳۸۰). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. (محسن ثلاثی، مترجم). تهران: انتشارات علمی.

- زرشناس، شهریار. (۱۳۷۷). توسعه و تهران: کتاب صبح.
- زواره ا. (۱۳۸۶). «مطالعه رابطه میان سبک زندگی و وضعیت سلامت زنان خانه‌دار در دو منطقه شمال و جنوب تهران با تأکید بر سنجش میزان آگاهی از حق سلامت»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. استاد راهنما: ملیحه شیبانی، دانشگاه تربیت مدرس: دانشکده علوم انسانی.
- سازمان ملی جوانان. (۱۳۸۱). «بررسی وضعیت اوقات فراغت جوانان»، پژوهش تحقیقی سازمان ملی جوانان. تهران: سرای اهل قلم.
- شعبان زاده، مهناز. (۱۳۸۴). بررسی رابطه قشریندی اجتماعی و نحوه گذران اوقات فراغت در بین دانشجویان دختر شهرستان لنگرود. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی
- صباغ لنگرودی، مهدی. (۱۳۷۷). «چگونگی اوقات فراغت دانشجویان پسر دانشگاه اصفهان با تأکید بر فعالیت‌های ورزشی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده تربیت بدنی دانشگاه تربیت معلم تهران.
- صداقت‌زادگان، شهناز و محسن فردرو. (۱۳۷۹). «پایگاه اقتصادی-اجتماعی و مصرف کالاهای فرهنگی»، فصلنامه فرهنگ عمومی، شماره ۲۲۳ بهار و تابستان.
- فاضلی، محمد. (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی. تهران: انتشارات صبح صادق.
- فرج‌اللهی، نصرت‌الله. (۱۳۷۳). «بررسی جایگاه تربیت بدنی در گذران اوقات فراغت دانشجویان دختر دانشگاه تهران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. کتاب بررسی وضعیت اوقات فراغت جوانان کتابخانه عمومی شهرستان بهشهر.
- گیدنز، آتونی. (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی. (منوچهر صبوری، مترجم). تهران: نشر نی.
- لوپز، خوزه و جان اسکات. (۱۳۸۵). ساخت اجتماعی. (حسین قاضیان، مترجم). تهران: نشر نی.
- محمدرضایی، علی اکبر. (۱۳۸۰). «بررسی راه‌های ساماندهی فعالیت‌ها و برنامه‌های سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با اوقات فراغت نوجوانان و جوانان در استان گلستان». پایان‌نامه کارشناسی، کتابخانه مرکز تحقیقات استان گلستان.
- ملاحسنی، حسین. (۱۳۸۱). «بررسی رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی و نوع دینداری در بین دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان در استان گلستان (علی‌آباد گنبد) در سال ۱۳۸۱». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- ممتاز، فریده. (۱۳۸۳). معرفی مفهوم طبقه از دیدگاه بوردیو. پژوهشنامه علوم انسانی، بهار و تابستان، شماره ۴۲-۴۱.
- مهدیان، محمدجعفر. (۱۳۷۳). ارزشیابی از برنامه‌های کانون‌های فرهنگی و تربیتی. دفتر مرکز کانون‌های فرهنگی.
- نیازی، محسن و محمد کارکنان نصرآبادی. (۱۳۸۶). تبیین جامعه‌شناختی رابطه سرمایه فرهنگی خانواده با هویت اجتماعی جوانان. مطالعات ملی، شماره ۳۱، ۸۰-۵۵.
- هینیک، ناتاکی. (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی هنر. (عبدالحسین نیک‌گهر، مترجم). تهران: انتشارات آگه.
- ورث، لوئیز. (۱۳۵۸). نظراتی در باره بررسی شهر، رفتار انسانی در محیط شهری (از مجموعه مفهوم شهر ۲) (گیتی اعتماد، مترجم). تهران: گروه تحقیقات و مطالعات شهری و منطقه‌ای.

- Bourdieu, Pierre. (1984).** Distinction: A Social Critique of the Judgement of Taste. Routledge.
- Bourdieu, Pierr .(1984).** "Homo Academicus" , combridge : Polity Press.
- Elias, Norbert & Dunning Erick (1986),** Guest for Excitement: Sport and Leisure in the civilizing Process, Blackwell, Oxford.
- Swartz. David. (1997).** Culture and power: the sociology of Pierre bourdieu. The university of Chicago press.
- Bourdieu, P.(1985).** "The Forms of capital" in Handbook of theory and research for the sociology of education. Ed. JG.Richardson, New York: Greanwood, pp.241-258.
- Coleman, J.(1988).** "Social capital in the creation of human capital", American Journal of Sociology, 94:S95-120.
- Coleman, J.(1990).** Foundations of social theory, Cambridge mass: Harvard university press.
- Marshal, Gordan. (1998).** Oxford Dictionary of Sociology, Oxford University Press.
- Veal, A.J. (1991).** Australian Leisure Futures, Publication 13, Centre for Leisure and Touris Studies, University of Technology, Sydney.
- Veal, A.J. (1993).** Lifestyle, Leisure and neighbourhood, In: Veal, A.J. Jonson, P. and Cushman, G. (eds) Leisure and Touris: Social and Environmetal Change, World Leisure and Recreation Association 1991 Congress Proceedings. Centre for Leisure and Tourism Studies, University of Technology, Sydney, 404-413.